



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۳۹۰  
مصادف با: ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۳۳  
جلسه: ۲۵

موضوع کلی: جوامع روایی ثانوی  
موضوع جزئی: محاسن و معایب کتاب وسائل الشیعه  
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

عرض شد صاحب وسائل کتاب‌هایی را که از آنها روایت نقل می‌کند به سه قسم تقسیم کرده؛ یک قسم کتاب‌هایی است که مباشرةً از آنها نقل می‌کند و اعتبار آن کتب نزد او ثابت است و طرق او هم به این کتب یا طریق عام است و یا به طریق مستقل نقل کرده است. قسم دوم کتاب‌هایی است که با واسطه از آنها نقل می‌کند و به نام آنها تصریح کرده و قسم سوم کتاب‌هایی است که به نام آنها در سند روایت تصریح نکرده که تعداد زیادی از کتب از این قبیل است. شبهه‌ای هم مطرح و پاسخ داده شد. نتیجه این شد که به طور کلی در قسم دوم از کتب، مرحوم صاحب وسائل مع الواسطه نقل روایت کرده و در قسم اول ممکن است مباشرةً و ممکن است با واسطه طرق نقل کرده باشد.

### دو ادعای صاحب وسائل:

پس به طور کلی صاحب وسائل دو ادعا دارد؛ یک ادعای ایشان در رابطه با کتب است که می‌گوید این کتب یا به تواتر و یا به واسطه قرائن برای او معلوم است و اعتبار آنها ثابت شده و ادعای دیگر ایشان این است که نسبت به آن کتاب‌ها هم طرقی دارد.

در مورد ادعای اول صاحب وسائل که می‌فرماید بعضی از کتب یا به تواتر یا به واسطه قرائن برای او معلوم است و اعتبار آنها ثابت شده است عرض می‌کنیم این ادعا را در رابطه با بعضی از کتب مثل کتب اربعه و کتاب‌های شیخ مفید می‌توان پذیرفت اما در مورد سایر کتاب‌ها پذیرفتن این ادعا مشکل است و در مورد آنها باید طرق ایشان را بررسی کرد و صرف ادعای اعتبار این کتب کافی نیست بلکه باید طرقی که ایشان تا آن کتب دارد بررسی شود تا نسبت به آنها برای انسان اطمینان حاصل شود. چه بسا بعضی از این کتب دارای طریق صحیح باشند و بعضی یک طریق نداشته باشند و چند طریق داشته باشند مثل کتب شیخ طوسی که گاهی برای آنها بیش از ۱۰ طریق ذکر شده است. بهر حال بعضی از کتبی که صاحب وسائل از آنها روایت نقل می‌کند جای بحث دارد و چون ما نمی‌توانیم تک تک کتاب‌هایی که قابل بحث است و صاحب وسائل از آنها روایت نقل کرده را مورد رسیدگی قرار دهیم لذا فقط به بررسی چند کتاب از کتب معروفه‌ای که صاحب وسائل از آنها روایت نقل کرده اکتفاء می‌کنیم تا معلوم شود این کتب معتبرند یا خیر؟

## کتاب تحف العقول

### الف مؤلف

یکی از کتاب‌هایی که در وسائل از آن روایت نقل شده کتاب تحف العقول است، کتاب تحف العقول عن آل الرسول تألیف ابی محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه حرّانی است. درباره مؤلف این کتاب آنچه که می‌توان ذکر کرد این است که ایشان معاصر شیخ صدوق بوده و از قدماء اصحاب و از شاگردان ابو علی محمد بن همام است و در کتب رجالی درباره او چیزی نقل نشده است؛ یعنی امثال نجاشی، شیخ طوسی و دیگر بزرگان رجال در ترجمه صاحب کتاب تحف العقول چیزی ذکر نکرده‌اند. اما در کلمات متأخرین نمونه‌هایی وجود دارد که درباره صاحب تحف العقول مطالبی را ذکر کرده‌اند.

### نظر بعضی بزرگان درباره مؤلف کتاب:

صاحب وسائل درباره ایشان می‌گوید: «الشیخ الصدوق الحسن بن علی بن شعبه»<sup>۱</sup> که از صاحب تحف العقول به شیخ صدوق تعبیر کرده است. همچنین در کتاب دیگری درباره صاحب تحف العقول می‌گوید: «ابو محمد الحسن بن علی بن شعبه فاضلٌ محدثٌ جلیلٌ له کتاب تحف العقول عن آل الرسول کثیر الفوائد مشهورٌ»<sup>۲</sup>.

محدث قمی هم درباره صاحب تحف العقول می‌گوید: «ابو محمد الحسن بن علی بن شعبه کان رحمه الله عالماً فقیهاً محدثاً جلیلاً من مقدمی اصحابنا صاحب کتاب تحف العقول و هو کتاب نفیس کثیر الفائدة. قال الشیخ الجلیل العارف الربانی الشیخ حسین بن علی بن صادق البحرانی فی رسالته فی الأخلاق و السلوک إلی الله علی طریقه اهل البیت فی أواخرها و یعجبنی أن أنقل فی هذا الباب حدیثاً عجیباً وافیاً شافياً عثرتُ علیه فی کتاب تحف العقول للفاضل النبیل الحسن بن علی بن شعبه من قدماء اصحابنا حتی أن شیخنا المفید ینقل عن هذا الکتاب و هو کتابٌ لم یسمح الدهر بمثله»<sup>۳</sup>؛ محدث قمی از رساله اخلاق و سلوک إلی الله روایتی را نقل می‌کند که این روایت را عجیب می‌داند و می‌گوید من این روایت را در تحف العقول دیده‌ام که آن را ابن شعبه که از قدماء اصحاب است نوشته است بعد در ادامه می‌گوید اعتبار این کتاب به اندازه‌ای است که شیخ مفید هم از این کتاب روایت نقل می‌کند و این کتابی است که روزگار مثل آن را ندیده است.

شبهه این تعبیرات را صاحب ریاض<sup>۴</sup> هم درباره مؤلف کتاب تحف العقول بکار برده است. بهر حال با اینکه متأخرین درباره صاحب تحف العقول تعابیر فوق را بکار برده‌اند اما در کتب رجالی که راجع به صاحبان کتب، مطالبی نوشته شده راجع به صاحب تحف العقول چیزی نوشته نشده است. اگر صاحب تحف العقول معاصر شیخ صدوق بوده است طبیعتاً باید در کتب رجالی متقدم درباره او ترجمه‌ای ذکر می‌شد.

از طرفی هم بزرگانی مثل خود صاحب وسائل و محدث قمی و صاحب ریاض العلماء کسانی نیستند که بدون استناد و بدون داشتن مستند و دلیل قابل قبول چنین مطالبی را درباره مؤلف این کتاب ذکر کنند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، فائده رابعه، ص ۴۱.

۲. امل الامال، قسم ثانی، ص ۷۴.

۳. سفینه البحار، ج ۴، ص ۴۱.

۴. ریاض العلماء، ج ۱، ص ۲۴۴.

در مجموع اگر بخواهیم بین آنچه که متأخرین درباره صاحب تحف العقول گفته‌اند و اینکه در بین متقدمین از علماء علم رجال چیزی درباره او گفته نشده جمع کنیم باید بگوییم مؤلف کتاب تحف العقول روایات اهل بیت را در این کتاب جمع کرده اما اینکه تا چه حدی اهل ثبت و ضبط بوده و تا چه حدی به نقل او می‌توان اعتماد کرد ابهام وجود دارد و نمی‌توان به صرف آنچه که متأخرین درباره او گفته‌اند او را جزء محدثینی قرار داد که قول و نظر او معتبر باشد، البته اعتبار ایشان را هم نفی نمی‌کنیم؛ چون قدماء از علماء علم رجال چیزی درباره او نگفته‌اند نه اینکه او را قدح و ذم کرده باشند. بهر حال راجع به مؤلف کتاب تحف العقول از جهت اعتبار و عدم اعتبار، ابهام وجود دارد.

### **(ب) اعتبار کتاب تحف العقول:**

اما در رابطه با خود کتاب تحف العقول و اعتبار روایات این کتاب خود ایشان در مقدمه مطلبی دارند که باید ببینیم این مطلب قابل قبول است یا خیر؟

مشکل عمده کتاب تحف العقول مشکله ارسال روایات این کتاب است؛ چون در نقل روایات، بسیاری از اسناد رها شده است. در عباراتی که صاحب تحف العقول در مقدمه کتاب آورده نکاتی وجود دارد که به ما کمک می‌کند تا ببینیم این کتاب تا چه حدی اعتبار دارد. ایشان در مقدمه کتاب می‌گوید: «و وقتُ مَمَّنْ اَنْتَهی اِلی من علوم السَّادَةِ (ع) علی حِکْمٍ بِالغَةِ و مواعظ شافیة و اَسْقَطْتُ الأَسَانِیدُ تَخْفِیفاً و اِیْجَازاً و اِنْ کَانَ کَثِیراً لِي سَمَاعاً» و باز در قسمتی دیگر از مقدمه می‌گوید: «بَلْ خَذُوا مَا وُردَ اِلیکم عَمَّنْ فَرَضَ اللهُ طَاعَتَهُ عَلَیْکُمْ و نَقَلُوا مَا نَقَلَهُ الثَّقَاتُ عَنِ السَّادَاتِ بِالسَّمْعِ و الطَّاعَةِ و اِیْتِنَاءِ اِلیه و العَمَلِ بِهِ»<sup>۱</sup>، مقدمه‌ای که ایشان در کتاب تحف العقول ذکر کرده متضمن چند نکته است:

**نکته اول:** صاحب تحف العقول می‌گوید من تخفیفاً و ایجازاً سند روایات را حذف کرده‌ام. پس مسئله ارسال که در رابطه با سند روایات کتاب تحف العقول مطرح است درست است؛ چون به تصریح خود ایشان سند روایات را جهت تخفیف و ایجاز حذف کرده است ولی این بدین معنی نیست که روایات، نزد خود ایشان هم مرسل بوده بلکه سند روایات نزد ایشان متصل و مسند بوده و ایشان به جهت اختصار و دوری از تطویل اسناد را حذف کرده است.

**نکته دوم:** نکته دومی که در عبارات ایشان است این است که اکثر روایات مسموع است.

**نکته سوم:** نکته سوم اینکه می‌گوید این روایات را از ثقات نقل کرده‌ام.

پس ایشان ادعا می‌کند که سند روایات را از باب تخفیف و ایجاز حذف کرده و اکثر روایات هم مسموع هستند و همچنین ادعا می‌کند که از ثقات نقل می‌کند.

سؤال این است که مطالبی که ایشان در مقدمه کتاب تحف العقول ذکر می‌کند آیا اعتبار و صحت روایات این کتاب را اثبات می‌کند یا خیر؟

۱. تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴-۲.

خود صاحب تحف العقول به صراحت، شهادت به اعتبار روایات این کتاب نداده است بر خلاف بعضی از کتب مثل کتب اربعه که مؤلفین آن کتب شهادت بر اعتبار روایات کتاب داده‌اند. نهایت چیزی که ایشان می‌گویند این است که می‌گویند: اسناد روایات حذف شده و اکثر روایات، مسموع است و روایات را از تفات نقل می‌کنم.

حال اگر ما مجموع این سه نکته‌ای که ایشان در مقدمه ذکر کرده را شهادت بر اعتبار روایات کتاب تحف العقول بدانیم؛ یعنی از ضمیمه این سه نکته نتیجه بگیریم که صاحب تحف العقول در واقع شهادت بر صحت و اعتبار روایات کتابش می‌دهد ممکن است کسی از این شهادت اطمینان به روایات کتاب تحف العقول پیدا کند ولی واقع این است که از این مطلب نمی‌توان به صحت روایات کتاب تحف العقول اطمینان پیدا کرد و نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که بگوییم این کتاب دارای این خصوصیات است که صاحب کتاب تحف العقول در مقدمه کتاب ذکر می‌کند اما اینکه بگوییم روایات این کتاب صحیح و معتبر است از نکات مذکور در مقدمه کتاب قابل استفاده نیست بنابراین ما در مورد روایات این کتاب نمی‌گوییم روایات این کتاب معتبر نیست بلکه می‌گوییم روایات کتاب تحف العقول باید مورد بررسی سندی قرار بگیرد و صرف نقل صاحب وسائل از کتاب تحف العقول به معنای اعتبار روایت نیست و سند این روایات باید بررسی شود.

«والحمد لله رب العالمین»